NBA

پیروزی آسان زنبورها در خانه میلواکی

درتقابل تیم‌های میلواکی باکس وشارلوت هورنتس در سالن فیزر فوروم میلواکی این تیم میهمان بود که به لطف درخشش مایلز بریجز میزبان خود را با هشت امتیاز اختلاف و با نتیجه ۱۲۷ بر ۱۱۹ شکست داد و دومین برد متوالی‌اش را کسب کرد. در ثبت بیست‌وهفتمین پیروزی «زنبورها» که بیست‌وچهار بار هم در این فصل تن به شکست داده‌اند، بریجز بیشترین سهم را از امتیازات تیمش داشت. او علاوه بر ۲۶ امتیازی که کسب کرد، ۷ ریباند و ۴ پاس گل هم داشت تا بیشترین ضربه را به میلواکی باکس که در حضور تعداد محدودی از تماشاگرانش بازی می‌کرد، وارد آورد اما میلواکی در حالی متحمل سومین شکست متوالی‌اش شد که دیروز ۵ تا از مهره‌های اصلی‌اش را در اختیار نداشت. بیستمین باخت باکس در پنجاه‌ودومین بازی این تیم در فصل جاری NBA، هشتمین شکست خانگی تیم سوم جدول رده‌بندی کنفرانس شرق هم بود. با این حال این تیم هنوز هم با سه پیروزی بیشتر نسبت به هورنتس، یک پله بالاتر از زنبورهای شارلوت قرار دارد. با احتساب این پیروزی هورنتس در ۵۲ درصد از بازی‌های این فصل خود موفق به غلبه بر حریفان خود شده است و برای اولین بار از ماه ژانویه سال ۲۰۱۷ است که این تیم در این مقطع از فصل موفق به ثبت چنین آماری می‌شود. شارلوت در فصل ۱۷-۲۰۱۶ لیگ را با ثبت ۳۶ پیروزی و ۴۶ شکست در رگولار سیزن به پایان رساند. جیمز بورگو سرمربی تیم هورنتس در پایان بازی گفت: «من به بازیکنانم افتخار می‌کنم. آنها ما را به جایگاهی که هستیم رساندند. من عاشق عملکردشان هستم و به آنها می‌بالم اما این نباید باعث شود که دچار سهل‌انگاری شویم. ما هنوز هیچ کاری نکرده‌ایم. هنوز به هیچ چیزی نرسیده‌ایم. شارلوت ۵ بازیکن داشت که ۱۸ امتیاز کسب کردند و دو بازیکن دیگر این تیم تری روزیر و دوونته گراهام هم هریک ۲۰ امتیاز گرفتند. در طرف مقابل میلواکی در دیداری تن به شکست داد که به ستاره‌های طراز اولش استراحت داده بود. این تیم در بازی قبلی‌اش هم که آخرین بازی از مجموعه شش بازی خارج از خانه‌اش بود با نتیجه ۱۱۶ بر ۱۰۱ در خانه تیم دالاس ماوریکس تن به شکست داد. امتیازآورترین بازیکن ماوریکس، ستاره تازه‌کار این تیم جردن نوارا بود که یک تنه ۲۴ امتیاز گرفت و رکورد فردی جدیدی را برای خودش به ثبت رساند. این چهارمین بازی متوالی جیانیس آنتتوکونمپو، ستاره یونانی میلواکی بود که به خاطر مصدومیت از ناحیه زانو آن را از دست داد. اما علاوه بر درانده دوعنوان MVP فصل، میلواکی، جرو هالیدی، دونته دی‌ونچنزو، برو لوپس، کریس میدلتون و پی جی تاکر هم در این بازی غایب بودند.

ادامه بردهای کلیپرز با توفان لنارد

تیم بسکتبال لس‌آنجلس کلیپرز به لطف کسب یک پیروزی قاطع خانگی برابر هیوستون راکتس از بابت ماندن در رده دسوم جدول کنفرانس غرب اطمینان حاصل کرد. در روزی که کاوی لنارد ۳۱ امتیاز گرفت و هشت پاس گل هم داد، کلیپرز چهارمین برد متوالی‌اش را کسب کرد و راکتس را با نتیجه ۱۲۶ بر ۱۰۹ شکست داد. این سی‌وششمین برد در پنجاه‌وچهارمین بازی لنارد و یارانش در این فصل NBA بود و آنها را بالاتر از رقیب همشهری‌شان لس‌آنجلس لیکرز و دنور ناگتس رده چهارمی نگه داشت. لس‌آنجلسی‌ها اما به جز لنارد ستاره‌های دیگری مانند نیکلاس باتوم و ترنس مان که هریک ۱۶ امتیاز گرفتند هم داشتند. پل جورج مهاجم کلیپرز اما به صلاحدید سرمربی تیم استراحت کرد. او در هر دو بازی قبلی‌اش ۳۰ امتیاز کسب کرد و نقشی کلیدی در پیروزی کلیپرز داشت. علاوه بر او رایون روند نیز که از ناحیه عضله نزدیک‌کننده مصدومیت داشت هم در بازی برابر راکتس غایب بود. هیوستون راکتس اما در حالی متحمل سی‌وهشتمین باخت در پنجاه‌ودومین بازی‌اش شد و در رده چهاردهم جدول کنفرانس شرق باقی ماند که شش بازیکنش در این بازی امتیازاتی دو رقمی داشتند. کریس وود با ۲۳ امتیاز برترین آنها بود و پس از او به ترتیب جا شان تاته با ۱۸ امتیاز، استرلینگ براون ۱۵ امتیاز، کوین پورتر جونیور با ۱۴ امتیاز و ۱۳ پاس گل، کنیون مارتین جونیور با ۱۴ امتیاز و کلی اولینک با ۱۳ امتیاز و ۱۱ ریباند بازی را به پایان رساندند. عملکرد خوب این بازیکنان اما مانع از ششمین باخت در ۷ بازی اخیر راکتس نشد و می‌توان انتظار داشت که به زودی یک باخت دیگر هم در کارنامه آن به ثبت برسد چرا که در بازی بعدی‌اش در سان فرانسیسکو میهمان گلدن‌استیت خواهد بود. هیوستون در پایان کوارتر اول ۱۰ امتیاز از کلیپرز بیشتر داشت اما عملکرد فاجعه‌آمیزش در کوارتر دوم هرآنچه در کوارتر نخست کسب کرده بود را برباد داد چرا که این تیم در کوارتر دوم تنها ۱۰ امتیاز کسب کرد در حالی که حریفش ۴۱ امتیاز گرفت.

تا ۴۰ سالگی بازی می‌کنم

تیاگو سیلوا: یکی از ریه‌هایم کاملاً سفید شده بود

مصاحبه
کایو کاریری

بادبادک بازی شاید برای خیلی‌ها حس وقت گذرانی‌های مربوط به قرن گذشته را داشته باشد اما همچنان یکی از فعالیت‌های مورد علاقه تیاگو سیلوا است وقتی از فوتبال فاصله می‌گیرد. علاوه بر آن مدافع ۳۶ ساله چلسی را به سال‌های سخت اما لذت‌بخش دوران کودکی‌اش در غرب ریودوژانیرو برمی‌گرداند.

او در نخستین مصاحبه با یک رسانه بریتانیایی بعد از گذر از «کانال انگلیس» و انتقال از پاری سن‌ژرمن در تابستان گذشته، به «فورفورتو» می‌گوید: «علاقه‌ام به کایت بیشتر از فوتبال بود. اگر فرصتی پیش می‌آمد و با دوستان به بادبادک بازی می‌رفتم، توپ را کنار می‌گذاشتم.»

الان هم بدش نمی‌آید و دروقت‌های بیکاری فصل این کار را می‌کند هرچند در آسمان لندن نشانی از بادبادک بازی نیست حتی اگر بارش باران اجازه دهد.

این مدافع میانی همیشه تأثیرگذار بوده، پائولو مالدینی افسانه‌ای که در میلان مدتی کنارش بازی می‌کرد، سیلوا را اینطور توصیف می‌کند: «تنها مدافعی که می‌تواند روی نتیجه بازی مؤثر باشد.»

مرد شماره ۶ چلسی در مصاحبه سه ساعته خود درباره همه چیز حرف زد از جدایی از پاری سن‌ژرمن گرفته تا تلاش برای حضور در چهارمین جام جهانی وابتلا به سل که او را تا آستانه مرگ برد.

چرا تابستان گذشته پاری‌سن‌ژرمن را ترک کردی؟

حرف‌های زیادی زده شده از جمله اینکه نمی‌خواستم دستمزد کمتری بگیرم اما حقیقت یک چیز است. در اوایل شروع همه‌گیری کرونا به برزیل برگشتم، یک روز مدیر ورزشی باشگاه، لئوناردو به من زنگ زد و بعد از تحسین دستاوردهایم و تشکر گفت باشگاه تصمیم گرفته من را نگه ندارد اما از من خواستند قراردادم را سه ماه تمدید کنم تا در مراحل پایانی لیگ قهرمانان همراهی‌شان کنم. قبول کردم و به لئوناردو گفتم: «باید خودم را آماده کنم، شما حداقل می‌توانستید به من پیشنهاد بدهید یا خواسته‌ام را بپرسید اما مهم نیست.» من رفتنی بودم اما لئو از عملکرد مثبتم در باشگاه شگفت‌زده بود. به او گفتم شخصیتم همینطور است، مهم نیست چقدر می‌مانم اما می‌خواهم تا وقتی که هستم به تیم کمک کنم تا همه جام‌های ممکن را بگیرد.

و چرا چلسی؟

به ایجنتم گفتم به دنبال باشگاه جدید باشد و صبح روز بعد از فینال لیگ قهرمانان اروپا، ناصر الخلیفه، رئیس پاری سن‌ژرمن، را در آسانسور هتل دیدم و او گفت لئو می‌خواهد در بازگشت به پاریس دوباره تو را ببیند اما من دیگر دل کنده بودم. دوشنبه بعد از فینال لیسبون، ایجنتم گفت چلسی پیشنهاد داده و من فرصت زیادی برای تصمیم‌گیری نداشتم. قبل از دیدار با لئو، موافقت خودم را اعلام کردم. لئو از من پرسید قرارداد را بسته‌ام، به او گفتم نه اما به چلسی قول داده‌ام و این برایم از پول با ارزش‌تر بود. او پرسید هیچ راهی نیست بمانی و گفتم، نه وذهنم هم دیگر با باشگاه و پاریس نیست.

فرانک لمپارد چه نقشی در انتقالت به استمفوردبریج داشت؟

به محض پاسخ مثبت من، عکسی برایم ارسال کرد از سال ۲۰۱۳ که به عنوان کاپیتان تیم‌های ملی در حال دست دادن بودیم. سورپرایز جالبی بود. او دقیقاً می‌دانست در این مقطع از حرفه‌ام چه می‌خواهم شاید به خاطر اینکه خودش انتقال مشابهی داشت و در ۳۶ سالگی از چلسی به منچسترسیتی رفت. برای رفتن به چلسی خیلی فکر نکردم نه تنها به خاطر سابقه‌شان بلکه به خاطر اینکه ویلیان و داوید لوییز خیلی از این تیم تعریف می‌کردند. بعد از موافقت من، مارینا گرانوفسکایا، مدیر باشگاه من رایش لمپارد فرستاد و از طریق مترجم حرف زدیم چون هنوز هم انگلیسی من خوب نیست و لهجه او برایم سخت‌تر بود(می‌خندد). روز اول به من گفت: «تیاگو، نگران سنت نباش، برایم اهمیتی ندارد. رویت خیلی حساب می‌کنم.» در پوست خودم نمی‌گنجیدم، اینکه همه در باشگاه من را می‌خواستند، فوق‌العاده بود. حالا باید انتظاراتشان را برآورده کنم.

او چند بار از رفتار حرفه‌ای تو در زمین و بیرون آن تعریف کرد...

این واقعاً باعث افتخار است چون یک اسطوره از من تعریف کرده، کسی که برنده بالفطره بود. اینکه او بگوید بازیکنی در سن من هنوز در بالاترین سطح بازی می‌کند و این به خاطر علاقه و تعصب و انگیزه است، اهمیت زیادی دارد. شما باید کارهای زیادی بکنید تا بعد از هر مسابقه ریکاوری خوبی داشته باشید بخصوص اگر مثل این فصل برنامه بازی‌ها اینطور فشرده باشد. گاهی وقت بازی با بچه‌هایم را ندارم چون باید کارهایی بکنم که به بهبود حرفه‌ام کمک می‌کند گاهی هم آنها را در برنامه‌ام می‌آورم مثل شنا در استخر اما همیشه اینطور نیست. داشتن خانواده‌ای که الزامات زندگی با یک ورزشکار حرفه‌ای را درک کند، اهمیت زیادی دارد و از این بابت از همسر و فرزندانم خیلی راضی هستم.

چه کارهای دیگری می‌کنی برای اینکه دوران حرفه‌ای طولانی‌تری داشته باشی؟

اکسیژن درمانی یکی از آنها است. از هفت سال قبل که مصدومیت‌هایم در پاری سن‌ژرمن خوب نمی‌شد، اکسیژن خالص تنفس می‌کنم که به بهبود شرایط بدنی‌ام کمک می‌کند. فیزیوتراپی که در فلومیننزه و میلان با او کار می‌کردم به سراغ معیارهای ریکاوری رفت و تلاش کرد روش بازیکنان NBA را بفهمد با توجه به اینکه آنها بازی‌های زیادی را در یک دوره زمانی کوتاه انجام می‌دهند و ریکاوری‌شان اهمیت زیادی دارد.

یکی از روش‌هایم، اکسیژن درمانی است. از هفت سال قبل که مصدومیت‌هایم در پاری سن‌ژرمن خوب نمی‌شد، اکسیژن خالص تنفس می‌کنم

از اینکه در بازی دومت برای چلسی، کاپیتان شدی، شگفت‌زده شدی؟

خیلی. دو کاپیتان اول تیم، سزار آسپیلیکوئتا و ژرژینیو، در آن بازی مقابل وست بروموویچ تعویض شدند و فرانک از من هیچ نپرسید و فقط بازوبند را به من داد و گفت این مال تو است و من نمی‌دانستم چه باید بگویم. بعد از بازی به آسپی و ژرژینیو گفتم من به چلسی آمده‌ام تا به تیم کمک کنم و هدفم کاپیتانی نبوده. در فوتبال در چنین مواقعی گاهی به حسادت و کدورت منجر می‌شود اما این بازوبند نیست که من را بازیکن بهتر یا بدتری کند.

چطور بدون اینکه زبان بلد باشی می‌توانی تیم را رهبری کنی؟

فهمیدن زبان فوتبال خیلی آسان است. من انگلیسی حرف نمی‌زنم و کمی می‌فهمم اما آسپی می‌تواند فرانسوی و اسپانیایی حرف بزند. انگولو کانته فرانسوی و اسپانیایی حرف می‌زند و ماتئو کواچیچ اسپانیایی وایتالیایی. من هم چند جمله‌ای یاد گرفته‌ام که در بازی به مدافعان بگویم، عقب و جلو، چپ و راست. بیرون زمین کمی خجالتی هستم اما گاهی می‌بینم در حال حرف زدن اسپانیایی، فرانسوی و کمی انگلیسی هستم که نمی‌دانستم بلد هستم.

چلسی سابقه بردن لیگ قهرمانان را دارد و از این جهت شاید بازی در این تیم برایت از پاری‌سن‌ژرمن که فشار زیادی را برای فتح اروپا تحمل می‌کند، آسان‌تر باشد.

فکر می‌کنم همینطور است. در پاریس، بردن لیگ قهرمانان به تیم خیلی استرس وارد می‌کند. هدف تیم بردن این جام است نه لیگ یک. بردن جام‌های داخلی که چندین بار صورت گرفت و حذف از یک هشتم نهایی یا یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان، معنایی ندارد انگار تمام فصل با لیگ قهرمانان تعریف می‌شود. در چلسی نگرش متفاوتی حاکم است، این تیم قهرمان اروپا شده و بردن لیگ برتر یکی از اولویت‌های ما است.

فکر می‌کنی تا کی می‌توانی به بازی ادامه دهی؟

با خودم این مسأله را حل کرده‌ام، روی بدنم کار می‌کنم برای اینکه بتوانم تا ۴۰ سالگی بازی کنم. مطمئن نیستم به خاطر این باشد که با پائولو مالدینی بازی کردم و او تا ۴۱ سالگی ادامه داد اما من شش ماه آخر یک دوران حرفه‌ای فوق‌العاده را تماشا کردم و فهمیدم امکانش وجود دارد. واقعاً تأثیرگذار بود، شیوه آماده‌سازی خودش برای بازی‌ها و اینکه چطور در خدمت تیم بود. برنامه‌ام این است که در جام جهانی بعدی در سال ۲۰۲۲ بازی کنم.

از برزیل گفتی، چطور جام جهانی ۲۰۱۴ که در خانه به نیمه‌نهایی رسیدید و ۷ بر یک به آلمان باخت روی حرفه و زندگی‌ات تأثیر گذاشت با توجه به اینکه تو کاپیتان تیم ملی بودی؟

البته تأثیر منفی داشت اما در عین حال به من قدرت داد که به جلو بروم. این کابوسی است که هرگز نمی‌توانم به طور کامل از آن خلاص شوم. در طول جام جهانی به خاطر چند چیز به شدت مورد انتقاد قرار گرفتم مثلاً اینکه چرا قبل از ضربات پنالتی برابر شیلی در یک هشتم نهایی گریه کردم و روی توپ نشستم تا دعا بخوانم. دلیلش را نمی‌دانم اما می‌گفتند یک ناکام گریه‌کن هستم. چه کسی هیچ وقت در عمرش گریه نکرده؟ در لحظات سخت زندگی احساسات شدت می‌یابد و آن جام جهانی برایم خیلی مهم بود. گریه من از شادی بود نه غم. حتی بعد از باخت ۷ بر یک که به دلیل محرومیت در آن حضور نداشتم، از من انتقاد می‌کردند. من هم به اندازه تمام برزیلی‌ها از آن باخت درهم شکستم. اگرچه اجازه نداشتم به رختکن بروم اما بین دو نیمه این کار را کردم تا به هم‌تیمی‌ها روحیه بدهم. فریاد زدم اما فایده نداشت. آرزویم این است که آن روز وحشتناک را از حافظه‌ام پاک کنم اما امکان ندارد.

وقتی در روسیه در بیمارستان بستری بودم، همسرم آمد تا کار را با من تمام کند اما نتوانست. فقط خدا می‌داند چه بلایی سر من می‌آمد اگر او ترکم می‌کرد

درست است که می‌خواهی بعد از بازنشستگی مربی شوی؟

اگر بگویم چنین قصدی نداشته‌ام دروغ گفته‌ام. به آن فکر می‌کنم اما هنوز کمی زود است. دارم کم کم خودم را آماده می‌کنم، سال گذشته اولین مدارک را از کنفدراسیون فوتبال برزیل گرفتم. من خوش شانس بوده‌ام که با مربی‌های بزرگی مانند کارلو آنچلوتی و تیته کار کردم و از آنها چیزهای زیادی یاد گرفتم. با المپارد و توماس توخل هم درباره علاقه‌ام حرف زدم.

در دوران درگیری با سل در سال ۲۰۰۵ چه اتفاقاتی افتاد؟

در تیم پورتو بودم که درد زیادی در سینه‌ام احساس می‌کردم. دوستانم من را مسخره می‌کردند و می‌گفتند فقط دلم برای همسر و خانواده‌ام در برزیل تنگ شده. پنج ماه بعد چند بازیکن پرتغالی و من با دینامو مسکو قرارداد بستیم. برای پیش فصل به پرتغال برگشتیم و دردم بدتر شد. بعد از آزمایش‌های فراوان، متوجه شدند که سل دارم اما مستقیماً به من نگفتند و بنابراین همه به مسکو برگشتیم.

وقتی نتایج را نشانم دادند، یکی از ریه‌هایم کاملاً سفید بود و داشت دیگری را هم درگیر می‌کرد و دکتر گفت باید چهار ماهی در بیمارستان بستری شوم که قبولش برایم خیلی سخت بود. اتاقش خیلی کوچک بود و دستشویی نداشت، فقط روی زمین یک سوراخ بود. در نهایت چهار ماه به شش ماه تبدیل شد. در سه ماه اول هیچ کس را ندیدم. مادر و همسرم به روسیه پرواز کردند. ایزابل آمده بود که کار را با من تمام کند اما نتوانست. همه چیزش را در برزیل گذاشته و هنوز با هم هستیم. حضور او به من توان زیادی داد. فقط خدا می‌داند چه بلایی سر من می‌آمد اگر او ترکم می‌کرد.

بعد از شش ماه توانستم بیمارستان را ترک کنم اما هنوز به طور کامل خوب نشده بودم. دخالت ایوو ورتمان، مربی دینامو که مربی من در یوونتوس هم بود، تأثیر زیادی داشت. او و ایجنتم به دکتر اجازه ندادند قطعه‌ای از ریه من را خارج کنند. به پرتغال برگشتم که در آن یک آپارتمان داشتم و دوران نقاهت را آنجا سپری کردم. یک متخصص سل به من توصیه کرد صبح‌ها نیم ساعت راه بروم قبل از اینکه احساس خستگی کنم و بعد دوباره شروع کنم. ایزابل برایم دوچرخه تهیه کرد اما حتی نمی‌توانستم پنج دقیقه سوار شوم. احساس خستگی می‌کردم اما خودم را نباختم و متوقف نشدم، کم کم پیشرفت کردم و بعد از سه ماه درمان شدم.

وقتی به برزیل برگشتم، فرصت پیدا شد که برای فلومیننزه، تیم دوران بچگی‌ام قرارداد ببندم. فهمیدم ایوو می‌خواهد من قرارداد ببندم اما همین که منتظر بودم اولین بازی‌ام را برای این تیم انجام دهم، زانویم آسیب دیدم؛ آن موقع ایوو به خاطر روند منفی و نتایج بد اخراج شده بود. من در دینامو یا فلومیننزه برای او بازی نکردم اما او فرشته مهربانی بود که نقش مهمی در زندگی من داشت. هر بار که این داستان را می‌گویم، به وجد می‌آیم. وقتی بازی را شروع کردم، به تدریج بازیکن ثابت فلومیننزه شدم و دیگر هرگز به عقب برنگشتم. بعد به میلان رفتم، بعد پاری‌سن‌ژرمن و حالا چلسی. خیلی افتخار می‌کنم به اینکه بگویم من قهرمان زندگی هم هستم.

باخت ۷ گله برابر آلمان کابوسی است که هرگز نمی‌توانم به طور کامل از آن خلاص شوم. آرزویم این است که آن روز وحشتناک را از حافظه‌ام پاک کنم اما امکان ندارد

منبع: فورفورتو

گزارش

توصیه‌های ۴ مفسر کارکشته

چگونه یک گزارشگر فوتبال خوب شویم

جان ماری، گزارشگر انگلیسی فوتبال، در دفترش نشسته است. دور و بر او پر است از کاغذهای آ۴ خط‌دار. در کنار او، دو ستون از کاغذهایی قرار دارد که روی آنها یادداشت‌های گزارش‌هایش در این فصل را نوشته است اما در کلکسیون او چیزهای بسیار بیشتری هم پیدا می‌شود. او می‌داند که در یک جعبه، یادداشت‌های یکی از خاطره‌انگیزترین دیدارهای اوایل دوران گزارشگری‌اش را پیدا می‌کند. این دیدار در سال ۱۹۹۲ و بین میدلزبورو و ولوزبرگزار شد. او روی آن کاغذ، با خودکار آبی رنگ، نام‌های جان گیتنز و پل ویلکینسون را نوشته است، که گل‌های آنها در ورزشگاه مولینوکس باعث شد بوروبه لیگ برتر صعود کند.

او مانند همان موقع یادداشت برمی‌دارد. او در دو ستون، ترکیب دو تیم را می‌نویسد و برای هر بازیکن یک مستطیل در نظر گرفته که در آن آمار و اطلاعات او را پر می‌کند. کار او ادامه می‌یابد تا اینکه در پایان مسابقه، نتیجه نهایی را می‌نویسد.

او در طول سال‌ها، برخی از یادداشت‌هایش را دور ریخته تا در فضا صرفه‌جویی کند: «به‌زودی بار دیگر خانه‌تکانی خواهم کرد». ناگهان نگاهش به یادداشت‌هایش از جام جهانی ۲۰۰۲ می‌افتد: «اینها را برای چه نگه داشته‌ام؟» اما این کاغذها نجات خواهند یافت، چرا که او یادداشت‌هایش را از دیدارهای ملی دور نمی‌اندازد.

یادداشت‌ها البته به کار می‌آیند اما یان دانتر، گزارشگر تاک اسپورت می‌گوید که دلیلی برای خودنمایی نیستند: «اگر در طول گزارش زیاد به یادداشت‌هایتان ارجاع بدهید، گزارشتان خراب می‌شود.»

دانتر هم مانند ماری یادداشت‌هایی دارد که از سال ۱۹۹۹ شروع می‌شوند. در آن هنگام او گزارشگر دیدار والسال با چسترفیلد بود. دانتر می‌گوید: «شاید تنها از ۱۰ درصد از یادداشت‌هایم استفاده کنم. نکته کلیدی این است که بدانید چه مطلبی را به آنها اضافه کنید.»

برای مثال، او پیش از بازی وستهم و دانکاستر در این فصل جام حذفی، متوجه شد که دو بازیکن فعلی، یعنی مارک نوبل و جیمز کاپینگر، در دیدار دو تیم در ۹ سال پیش در مسابقات چمپیونشیپ هم حضور داشتند. این همان چیزی است که او دنبالش است: «گاهی نیازی به یادداشت‌هایتان ندارید اما در هر حال باید آماده‌شان کنید.»

کریس تمپل هم با این موضوع موافق است. او گوینده ورزشگاه ویمبلی و گزارشگر رادیو است و خوشحال است که اخیراً کارش را به درستی انجام داده. در دوران قرنطینه، بورنموث چندین بازی کلاسیک خود را به صورت آنلاین پخش کرد، از جمله پیروزی ۸ بر صفر مقابل بیرمنگام در سال ۲۰۱۴ را. این باشگاه ۹۰ دقیقه فیلم بازی را داشت اما این فیلم بدون گزارش بود. تمپل که گزارشگر رادیویی آن مسابقه بود، یادداشت‌هایش را از آرشیوش پیدا کرد و به این ترتیب نیازی به تحقیق دوباره درباره آن مسابقه نداشت. او سپس گزارش بازی را از روی کاناپه اتاقش انجام داد.

نگهداری یادداشت‌ها از کارهای ضروری یک گزارشگر است، هرچند که این عادت در بسیاری از افراد ریشه‌ای عمیق دارد. ماری که زمانی دروازه‌بان بود، نتایج تیمش را در دفترچه‌اش می‌نوشت و این عادت را در دوران حضورش در دانشگاه ترینیتی سنت دیوید ولز ادامه داد.

پیتر دوری با این کار موافق است. او پشت تلفن هم همان‌قدر شور و هیجان دارد که انگار همین حالا دارد بازی را در تلویزیون گزارش می‌کند. او می‌گوید که در ۲۷ سال گذشته، هرگز یادداشتی که داشته را نگهداری کرده است. اتاق زیر شیروانی دوری پر است از یادداشت‌های مسابقه. مسأله این است که چرا نگه‌شان می‌دارد؟ «یادداشت‌های فصل قبل همیشه به درد می‌خورند» اما یادداشت‌های فصل‌های قبل‌تر چه؟ «من به خود می‌گویم که آنها ممکن است جذابیتی تاریخی پیدا کنند اما می‌دانم که خودم را گول می‌زنم.»

دوری که پس از فوت پدر و مادرش اسباب و وسایل آنها را مرتب کرده است، می‌داند که چه چیزی در انتظار سه پسرش خواهد بود. توصیه او به فرزندانش درباره یادداشت‌هایش چیست؟ او می‌گوید: «اینکه آنها را بسوزانند!» البته دوری دلش نمی‌آید خودش کبریت را روشن کند. او می‌تواند یادداشت‌هایش از بازی کاونتری و اپیسوچ در سال ۱۹۹۴ را بردارد و حتی به یادش هم نیاید که گل پیروزی کاونتری را شان فلین چطور زد اما این برایش یادآوری می‌شود که در آن هنگام زندگی شخصی‌اش چطور بود. او می‌گوید: «برای من، نگه داشتن این یادداشت‌ها باعث می‌شود به این فکر نکنم که فوتبال گذرا است». اغلب، یادداشت‌های گزارشگران، مانند نامه‌های عاشقانه‌ای است که خطاب به فوتبال نوشته‌اند.

منبع: گاردین

پیش بازی

تاتنهام - منچسترسیتی؛ ساعت ۲۰:۰۰

امیدهای کمرنگ مورینیو

تاتنهام امیدوار است در دیدار با منچستر یونایتد در شمال لندن، نتیجه خوبی بگیرد تا امیدهایش برای کسب سهمیه لیگ قهرمانان را تقویت کند. تاتنهام اوضاع خیلی مساعدی در جدول ندارد اما خیال منچستریونایتد از حضور در جمع چهار تیم بالای جدول نسبتاً آسوده است. آنها البته نمی‌توانند رویای قهرمانی در سر داشته باشند، چرا که فاصله زیادی با منچسترسیتی صدرنشین دارند اما فاصله آنها با چلسی، تیم پنجم جدول هم زیاد است.

حذف بهت‌انگیز تاتنهام در لیگ اروپا باعث فشار زیادی به ژوزه مورینیو شد. او حالا باید تیمش را از طریق لیگ برتر به لیگ قهرمانان برساند و اگر نتواند این کار را انجام بدهد، احتمالاً اخراج خواهد شد.

تاتنهام در این فصل لیگ برتر تنها نیمی از ۱۴ دیدار خانگی خود را برده است و ۴ بار در خانه باخته است، از جمله مقابل لیورپول و چلسی. تیم مورینیو البته سه بازی اخیر خود در ورزشگاه خانگی‌اش را برده و ۱۰ گل هم زده است. شایعات درباره هری کین دارد شدت می‌گیرد و در صورتی که تاتنهام فصل بعد در لیگ قهرمانان حاضر نباشد، او احتمالاً تصمیم سختی خواهد گرفت. در سمت دیگر هم منیونایتد مشکلات خود را دارد اما در پنج بازی اخیر خود در تمامی رقابت‌ها، چهار برد داشته است. آخرین بازی خارج از خانه آنها در لیگ با برد دو بر صفر مقابل من‌سیتی همراه بود و آنها سپس در خانه، وستهم و برایتون را شکست دادند. یونایتد به این ترتیب ۱۰ بازی است که در لیگ برتر انگلیس نباخته است.

یونایتد از ژانویه ۲۰۲۰ تاکنون هرگز در دیدارهای خارج از خانه در لیگ برتر نباخته است. آنها در ۱۵ بازی در خانه حریفان، ۹ برد کسب کرده‌اند. البته در پنج بازی اخیر یونایتد در خارج از اولد ترافورد، چهار دیدار باتساوی به پایان رسیده است.

تاتنهام در این مسابقه همچنان مت دوهرتی و بن دیویس را به دلیل مصدومیت در اختیار ندارد اما این تیم در هر حال شرایط خوبی پیش از دیدار امشب دارد. سرژ اوریه و توبی آلدرویرلد که دیدار برابر نیوکاسل را از دست داده بودند، می‌توانند به میادین برگردند و اوریه حتی شاید در ترکیب ثابت دربست مدافع راست قرار بگیرد.

سون هیونگ-مین مقابل نیوکاسل به عنوان بازیکن ذخیره به میدان رفت و حالا احتمالاً به ترکیب برمی‌گردد. لوکاس مورا، جیووانی لوسلسو و کین هم به بازیکن تهاجمی دیگر این تیم خواهند بود.

در یونایتد هم آنتونی مارسیال مشکل از ناحیه زانو دارد و نمی‌تواند به میدان برود. فیل جونز هم که مدت‌هاست غایب است و نمی‌تواند برای قهرمان ۲۰ دوره لیگ انگلیس به میدان برود. اریک بایی هم به دلیل تست مثبت کرونا غایب خواهد بود اما لوک شاو و پل پوگبا به میدان خواهند رفت، هرچند که مقابل گراناداً، به دلیل مصدومیت‌های جزئی تعویض شدند.

رشفورد هم مشکل از ناحیه مچ پا دارد اما قاعدتاً می‌تواند به ترکیب برسد و دین هندرسون هم احتمالاً جای داوید دخئا را در دروازه خواهد گرفت. فرد هم به میانه میدان برمی‌گردد و اینکه اسکات مک‌تامینی در بازی برگشت مقابل گرانادا در لیگ اروپا غایب است به این معنا خواهد بود که این بازیکن اسکاتلندی در این بازی در ترکیب ثابت قرار می‌گیرد. پوگبا به سمت چپ خواهد رفت و رشفورد هم در مرکز خط حمله بازی خواهد کرد.

ترکیب احتمالی تاتنهام: یوریس؛ اوریه، سانچس، رودون، رگیلون؛ هوبیبرگ، اندومبله؛ سون، لوسلسو، لوکاس؛ کین

ترکیب احتمالی منچستر یونایتد: هندرسون؛ ون-بیساکا، لیندلوف، مگوایر، شاو؛ مک‌تامینی، فرد؛ گرین‌وود، فرناندس، پوگبا؛ رشفورد.